

تبیین و بررسی زمینه‌گرایی در هر یک از معیارهای آن در زمینه‌های تاریخی، میانی، حاشیه‌ای و حاشیه با ارزش شهر تهران^۱ (مطالعه موردی: بناهای اقامتی واقع در زمینه‌های مختلف شهر تهران)

الهام نیائی: کارشناسی ارشد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

علیرضا عینی‌فر*: استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

چکیده

Explanation of contextualism in each of its criteria in the historical, inner suburb, valuable periferal and outer fring contexts of Tehran

Abstract

Designing in the historical, inner suburb, valuable periferal, outer fring contexts of cities reveals the importance of how to pay attention to contextual criteria. The question is, "What are the effective criteria and sub-criteria for being contextual in a new architectural work?" "What criteria of contextualism have more priority in design?" "In particular, what is the relative importance of each of the criteria in the historical, inner suburb, valuable periferal, and outer fring contexts of the city of Tehran?" A combined research method including qualitative content analysis, hierarchical procedure, and statistical analysis was used. Analysis of the research results showed that the concept of contextualism and its relationship with different contexts in four main criteria (physical, conceptual, functional, and social) can be explained in the framework of the proposed conceptual model. Based on the results, attention to the criteria of contextualism is important in the historical, inner suburb, valuable peripheral, and outer fring contexts, respectively. In common sub-criteria, attention to solving functions and favorable response to expected behaviors and especially in historical and valuable periferal contexts, social background and collective memory are remarkable points. In the outer fring context with different environmental features from the urban fabric, through considering the context domain wider and attention to the characteristics of the single buildings or getting inspiration from Special natural features of the environment, it can be possible to achieve regional attitude. In this regard, the construction of new valuable buildings can generate values based on the past culture. Also, following these patterns by other designers can strengthen and continue the contextual design in the future of an area. Finally, the results from the extraction of the criteria and sub-criteria of contextualism can be used to evaluate other buildings. The results of prioritizing research criteria also contribute to pre-design knowledge and organization of the design program in various fields. In this way, the design of contemporary buildings in valuable contexts leads to the continuation of architectural life and in contexts without significant background, causes the emergence of valuable features.

Keywords: Contextual architecture, Contextualism criteria, Historical context, Inner suburb context, Valuable periferal context, Outer fring context.

عدم وضوح راهکارهای زمینه‌گرایی در خصوص طراحی در زمینه‌های گوناگون اعم از زمینه‌های تاریخی، میانی، حاشیه‌ای و حاشیه با ارزش، اهمیت چگونگی توجه به معیارهای مختلف زمینه‌گرایی را در زمینه‌های مختلف پر رنگ می‌کند. سؤالات اصلی پژوهش بدین شرح است که: ۱. معیارها و زیرمعیارهای مؤثر در زمینه‌گرایی یک اثر معماری جدید چیست؟ ۲. در زمینه‌های مختلف شهر تهران، توجه به چه معیارهایی از زمینه‌گرایی از اولویت بیشتری در طراحی برخوردار است و اهمیت نسبی هر کدام از آن معیارها، در هر زمینه (تاریخی، میانی، حاشیه‌ای و حاشیه با ارزش) شهر تهران به چه صورت است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها از روش تحقیق ترکیبی که اهدافی کیفی را دنبال می‌کند، استفاده شد. مبنای استخراج معیارها و زیرمعیارهای زمینه‌گرایی تحلیل محتوای کیفی بوده است. سپس به منظور تبیین میزان اهمیت نسبی معیارها در زمینه‌های چهارگانه شهر تهران، چهار بنای اقامتی به صورت هدفمند از چهار زمینه مختلف شهر، به عنوان نماینده آن زمینه‌ها انتخاب شد که در ادامه و با استفاده از رویه سلسله مراتبی میزان زمینه‌گرایی نمونه‌ها در هر یک از معیارها و زیرمعیارهای استخراج شده در بخش قبل که در قالب پرسشنامه طراحی و تنظیم شده بود، توسط دانشجویان کارشناسی ارشد معماری مورد سنجش قرار گرفت. در نهایت به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل‌های آماری از جمله نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مفهوم زمینه‌گرایی و ارتباط آن با زمینه‌های مختلف از طریق بررسی چهار معیار اصلی زمینه‌گرایی (کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی) در قالب مدل مفهومی پیشنهادی قابل تبیین است. به گونه‌ای که توجه به معیارهای زمینه‌گرایی به ترتیب در زمینه تاریخی، زمینه حاشیه با ارزش، زمینه میانی و حاشیه‌ای حائز اهمیت می‌باشد که البته در زمینه حاشیه‌ای که معمولاً حائز ویژگی‌های (ارزشمند) خاصی نمی‌باشد توجه به این معیارها حایز اهمیت نبوده و در نظر گرفتن معیارهای زمینه‌گرایی نمی‌تواند موجب ارتقاء معماری و طراحی گردد که از این رو می‌توان با گسترده‌تر در نظر گرفتن دامنه زمینه از تک بناها و ویژگی‌های واجد ارزش آن منطقه (رویکرد منطقه‌گرایی) و الهام گرفتن از مفاهیم آن منطقه، طراحی در زمینه‌های حاشیه‌ای را انجام داد.

واژگان کلیدی: معماری زمینه‌گرا، معیارهای زمینه‌گرایی، زمینه تاریخی، زمینه میانی، زمینه حاشیه‌ای، زمینه حاشیه با ارزش

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری نگارنده اول با عنوان: "طراحی مجموعه اقامتی در تهران با تاکید بر نظریه‌های معماری - زمینه‌گرا" است که با راهنمایی دکتر علیرضا عینی‌فر در دانشگاه تهران انجام گرفته است.

۱- مقدمه

پیوند با زمینه و پاسخگویی به آن معمولاً به عنوان یکی از نیازهای اولیه و مسائل اصلی در طراحی معماری پذیرفته می شود و متقابلاً یکی از معیارهای ارزیابی اصلی در ارزیابی پروژه های معمارانه، مسابقات معماری و... می باشد (Serra, et al., 2020; Lambe & Dongre, 2017). از این رو نظر به اهمیت توجه به زمینه و درخواست پاسخ به آن از طرف طراحان، گاه این سؤال به میان می آید که زمینه خود چیست و دارای چه ویژگی خاصی می باشد؟ و آیا شرایط زمینه گرا بودن می تواند بسته به نوع زمینه متفاوت باشد؟ و به این منظور میزان اهمیت معیارهای زمینه گرایی در زمینه های مختلف چه تفاوتی با هم دارد؟ از این رو با توجه به آنکه در رابطه با این موضوع و به طور خاص در فضاهای اقامتی مطالعه منسجمی مشاهده نشده است، اهداف پژوهش به شرح زیر تعیین شده است:

- ۱- دستیابی به معیارها و زیرمعیارهای مؤثر در زمینه گرایی یک اثر معماری جدید؛ و
- ۲- اولویت بندی معیارهای زمینه گرایی در طراحی در زمینه های مختلف شهر تهران و نایل آمدن به اهمیت نسبی هر کدام از معیارهای زمینه گرایی در هر زمینه (تاریخی، میانی، حاشیه ای و حاشیه با ارزش) شهر تهران.

به منظور رسیدن به این اهداف پس از بررسی بناهای اقامتی شهر تهران و انتخاب نمونه های موفق از هر یک از زمینه های شهر، در نهایت چهار نمونه بنای اقامتی هتل فردوسی، هتل بلوط، هتل لاله و هتل پردیس که به ترتیب نماینده زمینه های تاریخی، حاشیه بالارزش، میانی و حاشیه ای می باشند مورد بررسی قرار می گیرند. سپس برای سنجش نمونه های موردی و اثبات مدل مفهومی پژوهش از روش تحقیق سلسله مراتبی به وسیله تکمیل پرسشنامه هایی که از طریق تحلیل محتوای کیفی تنظیم شده اند، استفاده می شود. در نهایت نیز با استفاده از تحلیل های آماری از جمله نرم افزار SPSS به تحلیل داده ها پرداخته می شود.

۲- تاریخچه زمینه گرایی

اگرچه در نظر گرفتن زمینه، به طور ذاتی جزئی از فرآیند طراحی معماری می باشد، اما در نظریه معاصر، توجه اندکی به آن شده است. درک زمینه و متن از

ویژگی های ذاتی عمل و تجربه معماری است، گرچه به ندرت در تئوری و گفتمان معماری مورد توجه قرار گرفته است. (Komez, 2016) در این راستا مدرسه بوزار را می توان از اولین مؤسسه های دانشی دانست که به این موضوع تحت عنوان *tirer parti* به معنای ساختن بهترین چیزی که از زمینه موجود یافت می شود، اشاره نموده است. (Dripps, 2005) ولیکن پس از آن موضوع استقلال از زمینه و گسست از تاریخ، توسط ابعاد رهایی طلب مدرنیسم مطرح گردید. از این رو با آغاز ساخت و سازهای مخرب پس از جنگ های جهانی، از اواسط قرن ۲۰ میلادی، ایجاد هماهنگی با بافت زمینه در میان توسعه روزافزون، یکی از نگرانی ها و علاقه های اصلی طراحان بوده است. نگرش های متنوع از زمینه، در خلال دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی از طریق نقد معماری مدرن پدیدار گردید. (Komez, 2016)

اصطلاح زمینه گرایی اولین بار توسط توماس شوماخر-Thomas Schumacher- در سال ۱۹۷۱ و در مقاله ای "زمینه گرایی: آرمان های شهری و دگرپرسی ها-Contextualism: urban ideas & deformations"- استفاده شد. (نسبیت، ۱۳۸۷: ۷۸) در دهه ۱۹۸۰، زمینه گرایی به طور عمده با انطباق و سازگاری بصری با محیط های ساخته شده در اطراف همراه بود. در ایالات متحده آمریکا، به دلیل نفوذ روزافزون جنبش محافظت گرایان آمریکایی، بحث های حرفه ای پیرامون ادغام ساختمان های جدید در محیط تاریخی آن ها آغاز شده بود. برنت برولین با انتقاد از بی توجهی مدرنیسم به زمینه، گسست از گذشته و آموزه "روح زمانه"، بر اهمیت تداوم بصری تأکید کرد و آن را به عنوان یکی از مهمترین وظایف معماران، برنامه ریزان و توسعه دهندگان تعریف کرد. (Brolin, 1981) در این راستا، وی در مورد نقش فرم، مقیاس، تزئین، مصالح و جزئیات در متناسب سازی آثار معماری با زمینه آن ها بحث کرد. همچنین لیندا گروت یک چک لیستی را برای معماران توسعه داد که شامل مواردی است که باید در مورد موضوع سازگاری بناهای جدید با همسایگی قدیمی در نظر گرفته شوند. (Grout, 1983) سپس این درک از زمینه، توسط نوآوران گاردها یا "معماران انتقادی" که زمینه گرایی را با یکنواختی و انطباق مرتبط می دانستند، مورد انتقاد قرار گرفت (Komez, 2016) و زمینه گرایی به عنوان یک ارزش ذاتی از طراحی معماری پس از دهه ۱۹۸۰ میلادی متعاقباً با پارادایم خودمختاری و استقلال به چالش کشیده شد. موضوعات مربوط به خودمختاری

انعطاف‌پذیرتر و پذیراتر از پروژه معاصر نسبت به محیط را پیشنهاد می‌کند. (Gausa, 2003) همچنین گرول پرنز و آنرا کان درباره اهمیت موضوعات مرتبط با سایت در معماری بحث می‌کنند اما آن‌ها استفاده از کلمه سایت به جای کلمه زمینه را پیشنهاد می‌دهند زیرا که سایت به عنوان یک ساختار رابطه‌ای گسترده‌تر تعریف شده است. (Burns & Kahn, 2005)

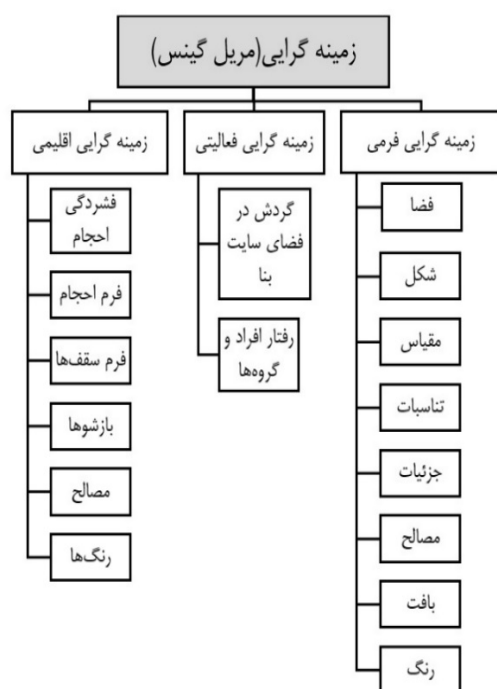
سندی ایزن اشتاد نگاشتی مختصر از تکامل اصطلاح زمینه را ارائه می‌دهد، جایی که وی محدودیت‌های آن را چنین توصیف می‌کند: "امروزه در ایالات متحده، در نظر گرفتن موضوع زمینه دلالت بر یک نمایه فرمی دارد که توجه را به گذشته (از طریق هدایت آن به محوطه موجود) معطوف می‌دارد، به‌ویژه در مقایسه با سایت که یک اصطلاح عمومی‌تر و بدون مفهوم فرمال خاص است. (Isenstadt, 2005) اگرچه اشخاص بسیاری مفاهیم مرتبط با زمینه را پس از دهه ۱۹۹۰ میلادی معرفی کرده‌اند، ولیکن آن‌ها در پی توسعه یک بحث انگیزشی در مورد پارادایمی معمارانه و یا بینشی انتقادی برای بناهای ساخته شده معاصر در محوطه موجود نبوده‌اند. از این رو به منظور بازایی درک انتقادی از زمینه، این مفهوم می‌بایست از وابستگی به فهرستی از ویژگی‌های فرمال و سبکی رها گردد. (Komez, 2016) از این رو با توجه به تأکید بسیاری از پژوهش‌ها بر معیارهای فرمی در زمینه‌گرایی، در این پژوهش نظر به اهمیت سایر معیارها و مؤلفه‌ها در خصوص زمینه‌گرایی یک اثر معماری جدید سعی بر آن است که به بررسی سایر معیارهای مختلف زمینه‌گرایی و زیرمعیارهای مرتبط با هر یک از آن‌ها پرداخته شود. در این راستا همچنین با توجه به اهمیت شرایط و پیشینه نوع زمینه‌ها میزان اهمیت و اولویت هر یک از آن معیارها و زیر معیارها در زمینه‌های مختلف، به منظور دستیابی و درک بیشتر تفاوت‌های موجود در توجه به هر یک از معیارهای زمینه‌گرایی برای طراحی در هر زمینه خاص، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- زمینه‌گرایی و معیارهای مختلف آن

مفهوم زمینه در معماری با توجه به آنکه مدام در حال تغییر و تکامل با مردم، تکنولوژی و شهرها می‌باشد، هنوز به‌طور شفاف تعریف نشده است، لذا به منظور درک پیوستگی یک بنای معاصر با زمینه‌اش، گردآوری مجموعه‌ای از ویژگی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی

معماری به‌طور گسترده‌ای از طریق موسسه معماری و مطالعات شهری (که توسط معمار آمریکایی پیتز آیزمن و مجله او به نام آپوزیشنز - Oppositions تأسیس گردید) منتشر شد. چارچوب استقلال و خودمختاری آیزمن، با تعریف زمینه به عنوان چیزی خارج از فرایند طراحی معمارانه، معماری انتقادی را به عنوان مقاومت در برابر نیروهای بیرونی شکل داد. در سال ۱۹۸۸، معماران آوانگارد در نمایشگاه معماری دیکانستراکتیویست در موزه هنر مدرن گرد هم آمدند تا به پست‌مدرنیسم و زمینه‌گرایی، حمله کنند و آن را مورد انتقاد قرار دهند. (Komez, 2016) علاوه بر حمله آیزمن به شیوه‌های زمینه‌گرا، انتقاد از زمینه‌گرایی که توسط بسیاری از معماران، نظریه‌پردازان و فیلسوفان مطرح شد نیز ناشی از عدم تأیید کلی‌تر معماری پست‌مدرن بود. به عنوان مثال، پل آلن جانسون از زمینه به منظور تحمیل انطباق و تداوم با تاریخ‌گرایی و اقتدارگرایی، انتقاد می‌کند. (Johnson, 1994) در این راستا ساموئل وایتینگ، رم کولهاس را در مقابل آیزمن معرفی کردند تا از کارزار آن‌ها برای تغییر نظام از "خودمختاری و روند" به "نیرو و اثر" حمایت کند. (Komez, 2016) البته از نظر آن‌ها گرچه پراگماتیست‌های جدید امروزه ادعا می‌کنند که یک عمل معمارانه، چگونگی کامل کردن اثری هنری توسط زمینه و بیننده را در نظر می‌گیرد اما آن‌ها شاید حاضر به تأمل انتقادی، نظری و گفتمانی در مورد زمینه نیستند. (Somol & Whiting, 2002)

در حالی که زمینه‌گرایی معمارانه پس از دهه ۱۹۸۰ به دلیل انطباق و ارتباط آن با پست‌مدرنیسم مورد حمله شدید قرار گرفت، اظهارات برنارد چومی نشان می‌دهد که تعریف واژه زمینه در معماری نیاز به بازنگری دارد. با این حال، انتقادات از مفهوم زمینه جستجو برای واژگان جدید در تئوری و تجربه معمارانه معاصر را برانگیخت. (Komez, 2016) جورج داد معتقد است که اصطلاح -Instauration- به معنای احیا، اصطلاح جامع‌تری نسبت به زمینه‌گرایی می‌باشد زیرا که آن واقعیت‌های فرهنگی و زمانی سایت را تصدیق می‌کند. (Dodds, 2001) در این راستا کلمه میدان Field-- که بیشتر از طریق نوشته‌های استن آلن معرفی شده است، مفهوم جدید دیگری است که به منظور جایگزینی با کلمه "زمینه" پیشنهاد شده است. (Allen, 1997) به همین ترتیب فرهنگ لغات متاپولیس از معماری پیشرفته بیان می‌کند که مفهوم میدان Field-- در ارتباط با مکان و نه زمینه، شرایط جدید، انتزاعی‌تر، بازتر و



تصویر ۱: انواع زمینه‌گرایی از دیدگاه مریل گینس، (مأخذ: (Gaines, 1980)

فعالیتی، شامل گردش در فضای سایت بنا، رفتار افراد و گروه‌ها است که می‌توانند بنا را با زمینه مرتبط کنند. (Gaines, 1980)

اقلیم در **الگوهای اقلیمی** نیز تأثیر خود را در مصالح، رنگ‌ها، بازشوها، فشردگی احجام، فرم آن‌ها، سقف‌ها و... بروز می‌دهد. هنر و حساسیت معمار، میزان درک او از ویژگی‌های فیزیکی و «ذهنی-احساسی» سایت یا «حس مکان» که تنها با حضور و زندگی در یک مکان حاصل می‌شود به معمار کمک می‌کند تا این ارتباط را بهتر درک و ایجاد کند. این ویژگی می‌تواند به عنوان ماهیتی نهفته در سایت که باید توسط معمار کشف گردد تعبیر شود. هر حوزه، ناحیه وسیعی است که ویژگی‌های فضایی-شکلی آن با سازماندهی توده‌ها و فضاها در الگوهای منسجم، دقیق و قابل شناسایی شکل و زمینه تعریف می‌شود. (Ibid)

در این راستا به نظر می‌رسد همچنین در خصوص تقسیم‌بندی زمینه‌گرایی توسط مریل گینس که موضوع زمینه‌گرایی اقلیمی را مطرح می‌کند، می‌توان گفت از آنجا که در رابطه با موضوع اقلیم آنچه که به عنوان تدابیر معمارانه در نظر گرفته می‌شود، در ویژگی‌های کالبدی نیز نمود پیدا می‌کند، می‌توان موضوع

زمینه اطراف و همچنین منطقه مورد نیاز است. (Tra- cyNasr, 2015) از نظر چیزگن، در خصوص رویکردهای مختلف رویارویی با زمینه می‌توان مشاهده کرد، گاهی برخی از ابعاد زمینه در اولویت توجه قرار می‌گیرند و در این خصوص می‌توان رویکردهایی را یافت که فقط جایگاهی ظاهری برای داده‌های زمینه قائل هستند. نگرش‌های دیگری نیز وجود دارند که معنا را نادیده می‌گیرند، روی داده‌های اقلیمی متمرکزند و به دنبال آن تلاش می‌کنند تا همسازی بصری ایجاد کنند. علاوه بر آن، به عنوان یک رویکرد رایج، مواردی هستند که تلاش می‌کنند در روابط بین محصول زمینه‌گرا با مردم، بازتاب‌دهنده نوستالژی فرهنگ و سنت باشند (مانند رویکرد محافظه کارانه پست‌مدرن). همچنین ممکن است رویکردهای طراحی‌ای دیده شود که نه تنها در ویژگی‌های فیزیکی محیط، بلکه در مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی، با زمینه خود در هماهنگی هستند (Çiz- gen, 2012: 89). استوارت کوهن (Stuart Cohen - ۱۹۷۴) معمار زمینه‌گرا در مقاله‌ای با عنوان زمینه فیزیکی- فرهنگی، درک خود از زمینه‌گرایی را با رابرت ونچوری مقایسه می‌کند. از دیدگاه کوهن، ونچوری گرایش‌های معماری مرتبط با معنای تصاویر معماری سنتی را نشان می‌دهد که این می‌تواند یک ایده از زمینه‌گرایی فرهنگی تلقی شود؛ بنابراین کوهن مفاهیم معنایی در معماری را برای تقویت زمینه‌گرایی معرفی می‌کند. (Cohen, 1974)

در اینجا می‌توان گفت با توجه به اشاره صورت گرفته به وجوه معنایی در زمینه‌گرایی فرهنگی و با توجه به اهمیت موضوعات معنایی در شکل‌گیری مفهوم و کانسپت در معماری می‌توان بیان داشت که موضوعات فرهنگی مطرح شده می‌تواند در زیرمجموعه موضوعات مربوط به مفاهیم و کانسپت‌ها در معماری باشد و از این رو در اینجا با مطرح کردن زمینه‌گرایی مفهومی می‌توان زمینه‌گرایی فرهنگی را نیز در زیرمجموعه زمینه‌گرایی مفهومی قرار داد.

مریل گینس (۱۹۸۰) نیز زمینه را در معماری با سه الگوی فرمی، فعالیتی و اقلیمی دسته‌بندی می‌کند. دسته‌بندی زمینه‌گرایی از دیدگاه مریل گینس (۱۹۸۰) به شرح تصویر ۱ می‌باشد.

فرم در **الگوهای فرمی** شامل عناصری چون فضا، شکل، مقیاس، تناسبات، جزئیات، مصالح، بافت و رنگ در نظر گرفته شده است. فعالیت‌ها در **الگوهای**

بین محصول زمینه‌گرا با مردم، بازتاب‌دهنده نوستالژی فرهنگ و سنت باشند. همچنین ممکن است رویکردهای طراحی‌ای دیده شود که نه تنها در ویژگی‌های فیزیکی محیط، بلکه در مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی، با زمینه خود در هماهنگی باشند (Cizgen, 2012:89). به عقیده تریسی نزر نیز مفهوم زمینه در معماری با توجه به آنکه مدام در حال تغییر و تکامل با مردم، تکنولوژی و شهرها می‌باشد، هنوز به‌طور شفاف تعریف نشده است، لذا به‌منظور درک پیوستگی یک بنای معاصر با زمینه‌اش، گردآوری مجموعه‌ای از ویژگی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی زمینه اطراف و همچنین منطقه موردنظر است. (TracyNasr, 2015) در این راستا همچنین نظریه‌های مطرح شده فوق به شرح جدول ۱ ارائه شده است.

بنابراین با مرور پیشینه نظری معیارهای مؤثر بر زمینه‌گرایی می‌توان بیان داشت که در اینجا برخی از معیارها به علت مشابهت با یکدیگر قابل تجمیع بوده و برخی دیگر نیز می‌توانند در زیرمجموعه سایر معیارها قرار گیرند به‌عنوان مثال معیار زمینه‌گرایی اقلیمی با توجه به تأثیرات مستقیم آن بر ویژگی‌های فرمی و کالبدی معماری می‌تواند در زیرمجموعه‌ی معیار زمینه‌گرایی کالبدی قرار گیرد. همچنین زمینه‌گرایی فیزیکی، فرمی، کالبدی، بصری، زیست‌محیطی می‌توانند به‌صورت زمینه‌گرایی کالبدی مطرح شوند. در مورد زمینه‌گرایی فرهنگی نیز با توجه به تعاریف مطرح شده فوق در خصوص آن که اشاره به معنا، مفهوم و موضوعات غیر کالبدی دارد و با توجه به اهمیت موضوع مفهوم-Concept در معماری که یکی از موضوعات اصلی در شکل‌گیری و خلق آثار معماری می‌باشد، لذا می‌توان معیار زمینه‌گرایی فرهنگی را در زیرمجموعه معیار کلی‌تر زمینه‌گرایی مفهومی قرار داد؛ بنابراین در نهایت مطابق جدول ۲ معیارهای زمینه‌گرایی در ۴ دسته کلی کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی دسته‌بندی شده است.

زمینه‌گرایی اقلیمی را در زیرمجموعه‌ی زمینه‌گرایی کالبدی قرار داد و همچنین می‌توان گفت توجه نکردن به کالبد، به مثابه توجه نکردن به اقلیم است.

از نظر کاپن (۱۹۹۹) موضوع زمینه در سه عنوان مورد بحث قرار می‌گیرد: ۱. زمینه فرمی (context Formal): به‌ویژه تصاویر و مناظر شهری و غیرشهری، در رابطه با محل و محیط اطراف ساختمان ۲. زمینه بصری (Visual context): به‌ویژه در مفاهیمی از همفکری و همدلی ۳. زمینه انسانی (Human context): در رابطه با سنت‌های فرهنگی مانند موضوعاتی درباره تزئینات و... (Capon, 1999:186)

از دیدگاه تولایی زمینه‌گرایی ابتدا صرفاً به ابعاد کالبدی توجه داشت، اما به‌تدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی-فرهنگی جامعه گسترش داد. (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۴). تولایی در خصوص زمینه فرهنگی-اجتماعی می‌افزاید، سازماندهی محیط ساخته شده، سازماندهی معنی نیز هست که در آن ویژگی‌های کالبدی نظیر مصالح، رنگ، ارتفاع، اندازه و مقیاس، خاصیت ارتباطی و نمادین دارد. عناصر کالبدی در محیط، معانی متفاوت دارند و این معانی به‌طور نظام‌یافته‌ای به فرهنگ پیوند خورده‌اند. (تولایی، ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۵۷)

زمینه‌گرایان فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته‌شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (Rapoport, 1977:6). همچنین از نظر مهدوی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) در معماری زمینه‌گرا هر بنایی بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کالبدی، اقلیمی و شرایط خاص آن زمینه، طراحی و اجرا می‌گردد (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). از نظر چیزگن (۲۰۱۲) نیز، در خصوص نگرش‌های مختلف رویارویی با زمینه می‌توان مشاهده کرد که گاهی برخی از ابعاد زمینه در اولویت توجه قرار می‌گیرند و در این خصوص می‌توان نگرش‌هایی را یافت که فقط جایگاهی ظاهری برای داده‌های زمینه قائل هستند. نگرش‌های دیگری وجود دارند که معنا را نادیده می‌گیرند، بر داده‌های اقلیمی متمرکزند و به دنبال آن تلاش می‌کنند تا همسازی بصری ایجاد کنند. علاوه بر آن، به‌عنوان یک رویکرد رایج، مواردی هستند که تلاش می‌کنند در روابط

جدول ۱: انواع زمینه‌گرایی از نگاه نظریه‌پردازان (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	نظریه‌پرداز	انواع زمینه‌گرایی
۱	استوارت کوهن (۱۹۷۴)	زمینه‌گرایی فیزیکی - زمینه‌گرایی فرهنگی زمینه‌گرایی کوهن زمینه‌گرایی فیزیکی زمینه‌گرایی فرهنگی
۲	مریل گینس (۱۹۸۰)	زمینه‌گرایی فرمی - زمینه‌گرایی فعالیتی - زمینه‌گرایی اقلیمی زمینه‌گرایی (مریل گینس) زمینه‌گرایی فرمی زمینه‌گرایی فعالیتی زمینه‌گرایی اقلیمی
۴	برنت سی برولین (۱۹۸۱)	زمینه‌گرایی کالبدی زمینه‌گرایی (از دیدگاه برولین) زمینه‌گرایی کالبدی
۵	کاپن (۱۹۹۹)	زمینه‌گرایی فرمی - زمینه‌گرایی انسانی - زمینه‌گرایی بصری و احساسی زمینه‌گرایی (از دیدگاه کاپن) زمینه‌گرایی فرمی زمینه‌گرایی بصری زمینه‌گرایی انسانی
۶	آموس راپاپورت (۱۹۷۷)	زمینه‌گرایی فرهنگی، زمینه‌گرایی فعالیتی، زمینه‌گرایی زیست‌محیطی زمینه‌گرایی (از دیدگاه راپاپورت) زمینه‌گرایی فرهنگی زمینه‌گرایی زیست‌محیطی زمینه‌گرایی فعالیتی
۷	کالین رو - فرد کوتر (۱۹۷۸)	زمینه‌گرایی کالبدی زمینه‌گرایی (از دیدگاه رو و کوتر) زمینه‌گرایی کالبدی
۸	چیزگن (Chizgen, 2021)	زمینه‌گرایی فیزیکی - زمینه‌گرایی اجتماعی زمینه‌گرایی (از دیدگاه چیزگن) زمینه‌گرایی فیزیکی زمینه‌گرایی اجتماعی
۹	مهدوی نژاد، بمانیان و ملایی (۱۳۹۰)	زمینه‌گرایی فرهنگی - اجتماعی - تاریخی - کالبدی - اقلیمی زمینه‌گرایی (از دیدگاه مهدوی نژاد و همکاران) زمینه‌گرایی فرهنگی زمینه‌گرایی تاریخی زمینه‌گرایی کالبدی زمینه‌گرایی اجتماعی زمینه‌گرایی اقلیمی

جدول ۲: دسته‌بندی انواع معیارهای زمینه‌گرایی در ۴ دسته‌ی کلی کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	نظریه‌پرداز	انواع زمینه‌گرایی			
۱	استوارت کوهن (۱۹۷۴)	زمینه‌گرایی فیزیکی	زمینه‌گرایی فرهنگی	_____	_____
۲	مریل گینس (۱۹۸۰)	زمینه‌گرایی فرمی - زمینه‌گرایی اقلیمی	_____	زمینه‌گرایی فعالیتی	_____
۴	برنت سی برولین (۱۹۸۱)	زمینه‌گرایی کالبدی	_____	_____	_____
۵	کاپن (۱۹۹۹)	زمینه‌گرایی فرمی - زمینه‌گرایی بصری	زمینه‌گرایی انسانی (در رابطه با سنت‌های فرهنگی)	_____	_____
۶	آموس راپاپورت (۱۹۷۷)	زمینه‌گرایی زیست‌محیطی	زمینه‌گرایی فرهنگی	زمینه‌گرایی فعالیتی	_____
۷	کالین رو - فرد کوتر (۱۹۷۸)	زمینه‌گرایی کالبدی	_____	_____	_____
۸	چیزگن (۲۰۱۲)	زمینه‌گرایی فیزیکی	_____	_____	زمینه‌گرایی اجتماعی
۹	مهدوی نژاد، بمانیان و ملایی (۱۳۹۰)	زمینه‌گرایی کالبدی - زمینه‌گرایی اقلیمی	زمینه‌گرایی فرهنگی - زمینه‌گرایی تاریخی	_____	زمینه‌گرایی اجتماعی

زمینه‌گرایی
اجتماعی

زمینه‌گرایی
عملکردی

زمینه‌گرایی
مفهومی

زمینه‌گرایی
کالبدی

در ادامه نیز به شرح هر یک از این چهار معیار پرداخته خواهد شد.

۳-۱ زمینه‌گرایی کالبدی

در زمینه‌گرایی کالبدی طراح نه تنها خود شیء بلکه رابطه متقابل آن با سایر اشیای موجود در زمینه را ملحوظ می‌دارد؛ زیرا معتقد است که شکل بناها بر اشکال مجاور و نزدیک آن تأثیر می‌گذارد. حامیان این دیدگاه، رابطه بناها و فضاها را با هم در نظر می‌گیرند. (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۵) یکی از نظریات زمینه‌گرایی کالبدی، نظریه کولاژ شهر است. کولاژ شهر از نظر روش‌شناسی بر اصل شکل-زمینه (توده-فضا) در نظریه گشتالت استوار است که مبتنی بر مطالعه ساختمان‌هایی است که به‌طور نسبی سطح زمین را پوشانیده‌اند و به‌صورت توده و فضای باز خالی ظاهر گشته‌اند (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۶) بنابراین شناخت ویژگی‌های معماری منوط به بررسی مؤلفه‌های کالبدی که به‌طور کلی توده نام دارد و درک ویژگی‌هایی با حضور عدم توده که فضا نام دارد محقق می‌شود. (فلاحی و شهیدی، ۱۳۹۴) در این راستا لیندا گروت (۱۹۸۸) نیز نظریه‌پردازی است که دیدگاه‌های بسیاری را در مورد زمینه‌گرایی مطرح کرده و راهبردهای طراحی ذکر شده را به سه دسته‌ی سازماندهی سایت، توده‌گذاری و طراحی نما تقسیم می‌کند. (Groat, 1988) همچنین کمیسیون هنرهای زیبای انگلستان (RFCA) به کوشش گروت در سال ۲۰۰۷ ویژگی‌های کالبدی را در دو جنبه فضایی و بصری دسته‌بندی کرده است؛ که در جنبه فضایی به معیارهای جانمایی و توده اشاره می‌کند و در جنبه بصری مواردی مانند مقیاس، تناسبات، ریتم و مصالح را ارائه کرده است. با این وجود از نظر برخی از نظریه‌پردازان مطالعات کمتری در مورد جنبه بصری معماری در مناظر، سکونتگاه‌های شهری و مراکز تاریخی شهرها وجود دارد. (Garciae et al., 2006; Cloquell- Ballester et al., 2006; Unver&Ozturk, 2002; Serra et al., 2008; al., 2013; Serra et al., 2020)

و لیکن تأثیر بصری بناهایی که با محیط اطرافشان تفاوت اساسی دارند چه در مورد عناصر مصنوعی در مناظر طبیعی و چه در مورد بناهای در مناظر شهری یک موضوع موردعلاقه در تحقیقات است (Karimi-moshaver and Winkemann, 2018). از نظر گوئررو ویژگی‌های طراحی شامل شکل و مصالح که معمول‌ترین ویژگی‌های فیزیکی هستند برای تحلیل و بررسی در تنظیمات نمای شهری در نظر گرفته می‌شوند (Cañas Guerrero, 1995). همچنین از نظر گارسیا و همکاران (۲۰۰۶) بافت بصری یک محیط نیز که مرتبط با مصالح ساختمانی معماری‌های آن است، در هنگام ارزیابی محیط‌های شهری نقش مهمی دارد. (Garcia et al., 2006) از دیگر ویژگی‌های طراحی بررسی شده در مورد پیوستگی بصری می‌توان به شکل و بافت اشاره نمود (Cloquell-Ballester et al., 2012; de la Fuente de Val et al., 2006) که بخارایی و ناسار (۲۰۱۶) قابلیت شکسته شدن- Fractality را به آن اضافه کرده‌اند (Bokharaee & Nasar, 2016). همچنین سبک معمارانه و تضاد رنگی توسط کرنی و همکاران (Kearney et al., 2008) و ارتفاع توسط سماوات (Samavatekbatan, et al., 2016) و تنوع و حضور گیاهان توسط کاپر به آن‌ها اضافه شده است. (Kuper, 2017)

از نظر سِرا و همکاران (۲۰۲۰) تأثیر بصری بناهایی که با محیط اطرافشان تفاوت اساسی دارند در صحنه‌های شهری برای بناهای تاریخی یادبود که معمولاً در مراکز تاریخی شهر قرار دارند بسیار مهم است، زیرا آن‌ها می‌توانند درک ارزش‌های فرهنگی منظره شهری و مشاهده بینندگان از آثار تاریخی را بر هم زنند. در این محیط‌ها اغلب معماری بی‌کیفیت یافت می‌شود زیرا که به دلیل توجه نکردن به اندازه، گستردگی، ترکیب، گونه‌شناسی معماری، مصالح ساختمانی و غیره موجب کاسته شدن ارزش بصری آن محیط‌ها می‌گردند. (Serra et al., 2020)

جدول ۳: ویژگی‌های کالبدی زمینه‌گرایی (مأخذ: کمیسیون هنرهای زیبا انگلیس RFCA، ۲۰۰۷)

کیفیت‌های بصری - Visual qualities				کیفیت‌های فضایی - Spatial qualities		معیارهای تحلیل Criteria for analysis
Materials مصالح	Rhythm ریتم	Proportion تناسبات	Scale مقیاس	-Massing توده و حجم	Sitting- جانمایی و رابطه پروخالی	

۲-۳ زمینه‌گرایی مفهومی

استیون هال معتقد است که معماری مسئولیت توجه ویژه و موشکافانه روی زمینه را دارد؛ زیرا زمینه می‌تواند مجموعه‌ای از پیشنهادات مناسب را به‌عنوان مفاهیمی برای طراحی معماری فراهم آورد. زمینه برای وی تنها بستر ساختمانی نیست، بلکه مفاهیم طراحی را نیز در برمی‌گیرد. (Yorgancioglu, 2004: 37) از نظر کومز (۲۰۱۷) همیشه در مورد زمینه تعریفی فراتر از ویژگی‌های فیزیکی سایت وجود دارد و آن تصور روح مکان - Genius Loci است که در واژه زمینه تعبیه شده است. به عقیده ژرپاسن و لارسن (۲۰۱۱)، معیارهای غالب مورد استفاده برای ارزیابی تأثیر بصری مانند فاصله یا دید و... در مناظر تاریخی کافی نیست (Jerpasen & Larsen, 2011) و یافته‌های اخیر نشان داده است که معنای یک معماری گاهی مهم‌تر از تأثیرات بصری آن است. (Karimi- moshaver & Winkemann, 2018) چنانکه چیزگن نیز می‌گوید، حس فضای یک مکان به تنهایی از طریق جزئیات محسوس و ملموس فضا ساخته نمی‌شود، بلکه از طریق جنبه‌های کیفی و احساس‌های معنادار شکل خواهد گرفت. (Cizgen, 2012: 56-57)

مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادین مشترک به محیط معنی و مفهوم می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (Rapoport, 1977: 6). فضا به لحاظ کالبدی زمینی خالی، اما دارای محدوده و هدف است که اشیا را به هم پیوند می‌دهد؛ وقتی که فضا دارای محتوا و مفهوم می‌گردد، مکان نامیده می‌شود. از نظر بسیاری از معماران و شهرسازان شکل فضایی به دنبال معنایی که داشته، ایجاد شده و معنی پدیده در زمینه‌ای که ظاهر می‌شود درک می‌شود (Nor-berg-Schulz, 1980: 18) جستجو برای بازیابی معانی و مفاهیمی که انسان به محیط می‌دهد کار دشواری است و از این‌رو از روش‌های زبان‌شناختی و معنی‌شناختی استفاده کردند. به نظر آن‌ها، رابطه میان اجزای محیط یا کلمات برای تشکیل سلسله‌مراتبی از کل‌ها یا جملات باید به‌گونه‌ای باشد که مخاطب را به لحاظ تولید معنی اقناع کند. (تولایی، ۱۳۸۰) مهم‌ترین چیزی که معنی را می‌سازد یک عنصر تنها نیست، بلکه کل گفته و بیان مهم است که در ترکیب‌بندی آن عنصر وارد شده است. محیط‌هایی که رابطه میان عناصرشان دارای گسستگی باشد به‌درستی درک نمی‌شوند (King, 1996: 126-127). به گفته راپاپورت، سازماندهی محیط مصنوع سازماندهی معنی نیز هست و اگرچه شهر معاصر با کثرت معنی روبرو می‌باشد ولیکن فاقد معنی مشترک است؛ بنابراین اتصال اجزای محیط به‌گونه‌ای که با هم معنی مشترک داشته باشند حایز اهمیت است و دریافت این معنی

مشترک تنها با مراجعه به فرهنگ امکان‌پذیر است. (Rapoport, 1977: 9). در زمینه‌گرایی مفهومی دریافتن ویژگی‌های معنایی یک مکان و قرار دادن آن در بخشی از فرایند طراحی حایز اهمیت قرار می‌گیرد. در همین راستا چیزگن (۲۰۱۲) معتقد است هویت، فرهنگ و تاریخ از فاکتورهای زمینه‌گرایی‌ای هستند که موجب ایجاد معنا در معماری و شهر می‌شوند. (Cizgen, 2012: 53-54)

۳-۳ زمینه‌گرایی اجتماعی

یکی از نیازهای انسان نیاز به برقراری تعاملات و روابط اجتماعی است. رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی، یک ضرورت است. هر فرصتی برای دست‌یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است و فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کند (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۸۷). از این رو برای تداوم حیات زندگی اجتماعی بشر و رشد فرهنگ اجتماعات انسانی در زمینه‌های تاریخی، شهری و... توجه به موضوع زمینه‌گرایی اجتماعی می‌تواند حائز اهمیت واقع شود.

در این راستا راپاپورت اشاره می‌نماید که شکل یک خانه تنها نتیجه مستقیم نیروهای فیزیکی یا هر علت مجرد دیگری نیست بلکه گستره‌ای از عوامل اجتماعی و... نیز در شکل‌دهی آن مؤثرند. (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲) جریان زندگی و روابط اجتماعی در محوطه‌ها و زمینه‌های تاریخی، شهری و... می‌تواند عاملی نیرومند در حفاظت از آن زمینه‌ها باشد و حداقل این است که بگوییم بدون وجود و شناخت این جریان حیات، شناخت معماری و شهر، ناتمام و ناکارآمد خواهد بود. از این رو ارزش آن زمینه‌ها و محوطه‌ها می‌تواند متکی به حیات اجتماعی درون آن و جریان طبیعی زندگی در آن باشد (مسعود و بیگ زاده، ۱۳۹۲: ۴۰-۴۱). به‌عنوان مثال بعضی تغییراتی که در زمینه‌های تاریخی صورت گرفته، خالی شدن آن‌ها از سکنه بومی و تغییر مناسبات اجتماعی آن‌ها را به دنبال داشته است.

همچنین آثاری که در ذهن مردم به‌عنوان «خاطرات جمعی» شرکت دارند و یا مکان‌ها و فضاهای معماری و شهری که محل ورود اتفاق ویژه و برجسته‌ای در تاریخ بوده‌اند و نیز آثاری که در اذهان عموم مردم به‌عنوان یادمان‌هایی تاریخی نقش بسته‌اند و سایر آثار از این دست، همگی دارای امتیاز ویژه‌ای در ارزیابی و ارزش‌گذاری هستند که این امتیاز غالباً برگرفته از خاطرات جمعی مردم و فرهنگ عامه است. گاهی

خاطرات جمعی و طرح‌واره‌های ذهنی و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی در شکل‌گیری ارتباط افراد با آثار معماری و شهرسازی چنان نقش پررنگ و نیرومندی دارند که ارزش‌های کالبدی و بصری و معماری در مقابل آن‌ها رنگ می‌بازد؛ بنابراین می‌توان گفت وقایع تاریخی، خاطرات جمعی و جنبه‌های یادمانی و فرهنگ بومی به‌نوبه خود، یکی از معیارهای مهم در ارزشمندی آثار، ابنیه و زمینه‌های تاریخی و... هستند. (همان: ۴۴) از دیدگاه هالبواکس، خاطره جمعی، خاطره همیشگی یک گروه و به یادآوری گزینشی و توافق شده میان اعضای آن گروه و از این نظر چیزی شبیه اسطوره است. از نظر وی، خاطره جمعی برای شکل‌گیری تصویری که یک گروه از خود دارد، ضروری است. (Eyerman, 2002:7)

۳-۴ زمینه‌گرایی عملکردی

گاهی پیدایش بناها و کاربری‌های نوین که در دوره‌های پیشین سابقه‌ای نداشتند در محوطه‌ها و زمینه‌های تاریخی، شهری و... می‌تواند موجب گسست جدی آن‌ها و انفکاک بخش‌های جدید از بخش‌های قدیمی گردد (مسعود و بیگ‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۹). نحوه تعریف و ایجاد کاربری‌ها و عملکردها در روند شکل‌گیری بناهای جدید در زمینه‌ها و بافت‌ها و توجه به تأثیرات مثبت و منفی‌ای که انتخاب نوع کاربری‌ها و فعالیت‌ها، الگوی رفتارها، میزان سرزندگی می‌تواند بر زمینه‌ها داشته باشد قابل تأمل است.

نظام کاربری زمین و مکان‌یابی عملکردها در بافت‌های تاریخی، شهری و... پیرو قواعد ویژه‌ای است که لازم است در مکان‌یابی بناهای جدید و مداخلات بازسازی و نوسازی ساختمان‌های جدید به این مهم توجه شود. گاهی عدم در نظر گرفتن نوع فعالیت‌های موجود در یک زمینه، باعث برهم زدن نظام سلسله‌مراتب شهری و سلسله‌مراتب دسترسی در بافت گردیده و رفع مشکل ناشی از آن نیز توأم با تخریب‌ها یا خدشه‌هایی در بافت‌ها یا زمینه‌ها یا مستلزم تعریض معابر و سایر مسائلی از این قبیل بوده است؛ بنابراین شناسایی صحیح نیازهای بافت، زمینه و مکان‌یابی درست و دقیق آن‌ها بسیار حیاتی بوده و در سرنوشت آن‌ها و حفظ انسجام رونق‌بخشی به آن بسیار مؤثر خواهد بود (بیگ‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

۴-۴ چارچوب نظری

با توجه به مرور منابع مختلف در مورد معیارهای مؤثر بر زمینه‌گرایی و نظر به اجماع نظر نظریه‌پردازان و میزان استفاده از آن معیارها در منابع و همچنین با توجه به وجود مشابیه‌ها در تعریف برخی از معیارها که

می‌توانند در زیرمجموعه‌ی سایر معیارها قرار بگیرند، در نهایت به دسته‌بندی آن معیارهای مختلف مرتبط با زمینه‌گرایی در چهار دسته کلی پرداخته شده است که در این دسته‌بندی سعی بر آن بوده است که معیارهای جامع‌تر در نظر گرفته شوند. همچنین در این میان با توجه به تعریف هر یک از آن معیارها می‌توان در بعضی از آن‌ها یک بازنگری مجدد صورت گیرد. به‌عنوان مثال در رابطه با معیار فرهنگی که در منابع مختلف مطرح شده است می‌توان بیان داشت که تعاریف آن‌ها از فرهنگ همان مباحث مربوط به معنا و مفهوم در زمینه بوده است و همچنین در این راستا با توجه به اهمیت موضوع مفهوم-Concept در طراحی که به نوعی یکی از موضوعات اصلی در شکل‌گیری روند طراحی می‌باشد لذا در دسته‌بندی صورت گرفته در پژوهش حاضر مباحثی مانند فرهنگ و... در زیرمجموعه‌ی معیار کلی زمینه‌گرایی مفهومی قرار می‌گیرد. همچنین در این راستا در مورد معیار زمینه‌گرایی اقلیمی نیز می‌توان گفت این معیار با توجه به تأثیرات مستقیم تصمیمات مرتبط با اقلیم بر فرم و کالبد، می‌تواند در زیرمجموعه معیار اصلی زمینه‌گرایی کالبدی و فرمی قرار گیرد. حال از طرفی پس از بررسی انواع معیارهای زمینه‌گرایی که شامل زمینه‌گرایی کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی می‌باشد، می‌توان گفت از آنجا که رویکردهای مطرح شده در رابطه با بناهای زمینه‌گرا اکثراً به بعد کالبدی اشاره داشته‌اند و به‌طور کل در سه دسته‌ی تشابه، تداوم و تضاد قابل تقسیم‌بندی هستند، می‌توان با نسبت دادن آن سه رویکرد اصلی به سایر معیارهای زمینه‌گرایی مانند معیار مفهومی، اجتماعی و عملکردی، تعریف و تشریح دقیق‌تری از میزان زمینه‌گرایی یک اثر ارائه داد. لذا از این رو تصویر ۲ به منظور تشریح موارد فوق‌الذکر ترسیم گردیده است.



تصویر ۲: معیارهای چهارگانه‌ی زمینه‌گرایی و رویکردهای کلی نگرش به زمینه در آن‌ها، (مأخذ: نگارندگان)

حال پس از بررسی تشریحی هریک از معیارهای اصلی در بخش‌های پیشین و استخراج زیرمعیارهای مرتبط با آن‌ها جدول ۴ به‌منظور تدقیق بیشتر در سنجش میزان زمینه‌گرایی آثار معماری در ادامه ارائه خواهد شد.

جدول ۴: معیارها و زیرمعیارهای مؤلفه‌های اصلی زمینه‌گرایی، (مأخذ: نگارندگان)

میزان زمینه‌گرایی					معیارها و زیرمعیارها		مؤلفه اصلی (زمینه‌گرایی)	
		خیلی کم	کم	متوسط	خیلی زیاد زیاد			
					رابطه پر و خالی	جنبه فضایی	زمینه‌گرایی کالبدی	
					حجم			
					مقیاس	جنبه بصری		
					تناسبات			
					ریتم بازشوها			ریتم
					تقسیمات نما			
					مصالح			
					فراوانی زمینه‌گرایی کالبدی			
					ویژگی‌های فرهنگی و هویتی		زمینه‌گرایی مفهومی	
					ویژگی معنایی			
					ارزش‌ها و نمادها			
					فراوانی زمینه‌گرایی مفهومی			
					نوع فعالیت		زمینه‌گرایی عملکردی	
					الگوی رفتاری			
					سرزندگی			
					فراوانی زمینه‌گرایی عملکردی			
					ارزش‌های تاریخی مشترک		زمینه‌گرایی اجتماعی	
					روابط و تعاملات اجتماعی			
					تداوم خاطرات جمعی			
					فراوانی زمینه‌گرایی اجتماعی			
					فراوانی زمینه‌گرایی در هر ۴ مؤلفه اصلی			

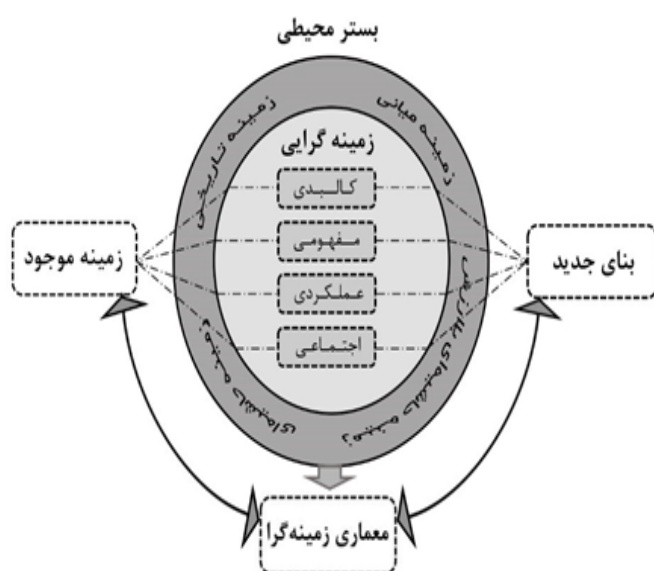
همچنین در این راستا می‌توان گفت معیارهای زمینه‌گرا بودن بناهای جدید نسبت به زمینه پیرامونشان می‌تواند در زمینه‌های مختلف، متفاوت باشد. چراکه زمینه‌های مختلف شهر از ویژگی‌های متفاوتی برخوردارند که بعضی از آن‌ها مثبت و برخی منفی می‌باشند. حال در این بخش پس از انتخاب کاربری اقامتی و پس از تحلیل پیشینه نظری موضوع که نشان می‌دهد مفهوم زمینه‌گرایی را می‌توان در چهار معیار کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی تعریف نمود، پژوهش حاضر به دنبال آن است که به بررسی این معیارها در ۴ نمونه موردی بنای اقامتی که هر کدام در زمینه‌های مختلف شهر تهران قرار گرفته‌اند، بپردازد تا در نهایت با مقایسه نتایج حاصل از آن، به میزان اهمیت هر یک از معیارهای معماری زمینه‌گرا در هر یک از زمینه‌های مختلف شهر نائل شود و تعیین کند که در زمینه‌های مختلف شهر تهران، توجه به چه ابعادی از زمینه‌گرایی از اولویت بیشتری در طراحی برخوردار است و اهمیت نسبی هر کدام از این معیارهای زمینه‌گرایی، در هر زمینه (تاریخی، میانی، حاشیه‌ای و حاشیه‌ای با ارزش) شهر تهران کدام است؟ و در زمینه‌ای که به‌طور نسبی فاقد ارزش می‌باشد، طراح چه راه‌حلی را می‌بایست برگزیند. از این رو مدل مفهومی تبیین رابطه‌ی میان معیارهای چهارگانه‌ی معماری زمینه‌گرا در هر زمینه معماری در تصویر ۳ نشان داده شده است که برای آزمون این مدل چهار نمونه از بناهای اقامتی شهر تهران به‌گونه‌ای هدفمند از ۴ زمینه متفاوت شهر تهران انتخاب شده‌اند که هر کدام نماینده زمینه‌های تاریخی، میانی، حاشیه‌ای و حاشیه‌ای با ارزش شهر تهران می‌باشند.

۵- نمونه‌های موردی و دلایل انتخاب آن‌ها

مطالعه موردی این پژوهش در رابطه با بناهای اقامتی در تهران می‌باشد. در انتخاب نمونه‌ها هر چند معیار انتخاب، در وهله اول توجه به زمینه‌ی معماری بوده، ولیکن اشتراکات کالبدی نیز به‌طور کل مورد توجه قرار گرفته است. نمونه‌گیری از نوع هدفمند بوده و علت انتخاب نمونه‌ها، معرفی نسلی از بناهای احداث شده در زمینه‌های مختلف تهران و حومه بوده است. بدین منظور چهار بنای اقامتی در تهران با زمینه‌های مختلف (زمینه میانی، زمینه تاریخی، زمینه حاشیه‌ای و زمینه حاشیه با ارزش) که نسبت به سایر نمونه‌ها در آن زمینه، قابل قبول‌تر و با سایر نمونه‌ها همگون‌تر بودند، انتخاب شدند.

نمونه موردی اول: هتل فردوسی - زمینه مرکزی تهران: هتل فردوسی تهران، مجموعه‌ای اقامتی است که در محدوده منطقه ۱۲ تهران، واقع در میدان

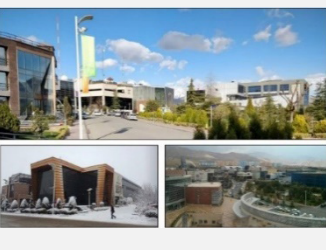
امام خمینی (ره) - خیابان فردوسی جنوبی - جنب وزارت امور خارجه قرار دارد. این هتل در ۶ طبقه و با ۲۳۰ اتاق در تیپ‌های مختلف در سال ۱۳۶۸ تأسیس شده است. در رابطه با بناهایی که در پیرامون هتل فردوسی قرار دارند می‌توان به مسجد امین‌السلطان، ساختمان ثبت استاد و املاک کشور و دانشگاه هنر تهران اشاره نمود. همچنین این هتل در مجاورت بازار بزرگ و نزدیک به موزه‌هایی نظیر ایران باستان، آبگینه، سکه و جواهرات، کاخ گلستان، سر در باغ ملی و... قرار گرفته است. **نمونه موردی دوم: هتل بلوط - زمینه حاشیه با ارزش تهران:** هتل بلوط تهران واقع در ولنجک، خیابان یمن، بالاتر از چهارراه مقدس اردبیلی، در سال ۱۳۹۵ ساخته شده است. این هتل دارای ۲ طبقه و ۱۶ اتاق می‌باشد. در رابطه با زمینه پیرامون این هتل که در بافت حاشیه با ارزش شهر تهران قرار دارد می‌توان به بافت روستایی منطقه اوین اشاره نمود، همچنین که بناهایی مانند سالن اجلاس سران کشور، دانشگاه شهید بهشتی و مجموعه مسکونی ولنجک (اثر مهوش عالمی) از جمله بناهایی هستند که در نزدیکی این هتل قرار گرفته‌اند. **نمونه موردی سوم: هتل لاله (اثر وارطان هوانسیان) - زمینه میانی تهران:** هتل لاله واقع در شرق خیابان لاله‌زار نو، مابین خیابان هدایت و کوچه صفا منش قرار دارد. این بنا در بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ و در شش طبقه ساخته شده است. در رابطه با بافت پیرامونی هتل لاله نیز می‌توان گفت که این هتل در محدوده‌ی بافت میانی شهر تهران عموماً با ویژگی‌های معماری مدرن اولیه که دارای ویژگی‌های مشخص از لحاظ الگوی ساخت، الگوی شبکه‌بندی هندسی، نوع مصالح، تعداد



تصویر ۳: چارچوب مفهومی تحقیق و رابطه معیارهای چهارگانه‌ی معماری زمینه‌گرا در زمینه و بسترهای محیطی مختلف، (مأخذ: نگارندگان)

طبقات و... می‌باشد، قرار دارد. **نمونه موردی چهارم: هتل پردیس _ زمینه حاشیه‌ای تهران:** هتل پردیس فناوری تهران واقع در پارک فناوری پردیس، کیلومتر ۲۰ جاده دماوند، در سال ۱۳۹۷ فعالیت خود را آغاز نمود. این هتل دارای ۳ طبقه و ۲۷ اتاق و سوئیت می‌باشد. در رابطه با بناها و زمینه پیرامون این هتل می‌توان گفت، با توجه به آنکه در محدوده بافت حاشیه‌ای شهر تهران واقع است، الگوی مشخصی در این زمینه دیده نمی‌شود و زمینه و بناهای پیرامون آن غالباً ویژگی‌ها و مفاهیم معماری ایرانی را در نظر نگرفته است. (جدول ۵)

جدول ۵: نمونه‌های موردی پژوهش، (مأخذ: نگارندگان)

نمونه موردی	نوع زمینه	تصویر نمونه موردی	زمینه و بناهای اطراف نمونه موردی
نمونه موردی اول: هتل فردوسی	تاریخی		
نمونه موردی دوم: هتل بلوط	حاشیه با ارزش		
نمونه موردی سوم: هتل لاله	میانی		
نمونه موردی چهارم: هتل پردیس	حاشیه‌ای		

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۰

Urban management
No.65 Winter 2022

۱۱۱

۶- روش تحقیق

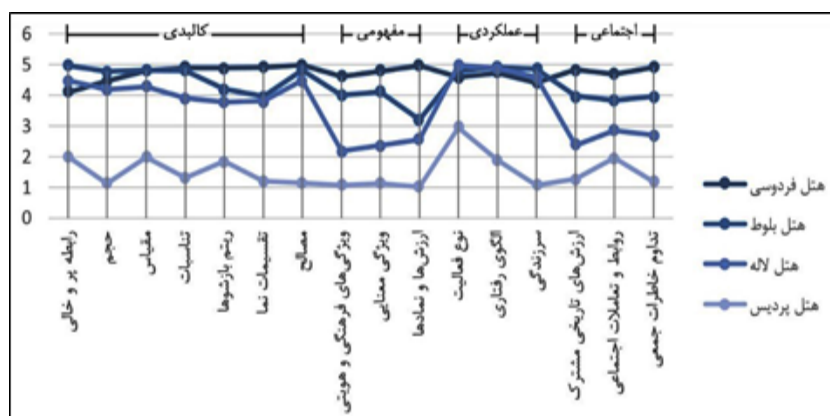
در رابطه با روش تحقیق می‌توان گفت این پژوهش دارای روش تحقیق ترکیبی است که یک هدف کیفی را دنبال می‌کند. در ابتدا به منظور استخراج معیارها و زیرمعیارهای اشاره شده از سوی نظریه‌پردازان و نهادهای مرتبط با مفهوم زمینه‌گرایی، از تکنیک تحلیل محتوا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته است. سپس به منظور تبیین میزان اهمیت نسبی این معیارهای زمینه‌گرایی در زمینه‌های مختلف شهر تهران، چهار بنای اقامتی به صورت هدفمند از چهار زمینه مختلف شهر تهران، به عنوان نماینده‌ی آن زمینه‌ها انتخاب شده است. در ادامه از طریق روش سلسله مراتبی با استفاده از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری یافته‌ها، میزان زمینه‌گرایی نمونه‌ها بر اساس معیارها و زیرمعیارهای استخراج شده در بخش قبل، توسط دانشجویان کارشناسی ارشد معماری سنجیده می‌شود. از پاسخ‌دهندگان در پرسشنامه خواسته شده است که میزان زمینه‌گرایی نمونه‌های موردی را نسبت به زمینه‌ی خاص خود، در هر یک از ۴ معیار اصلی کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی، مورد سنجش قرار داده و نظرات خود را در قالب طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم مشخص کنند. در نهایت نیز با استفاده از داده‌های حاصل از آن‌ها به بررسی و تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل‌های آماری از جمله نرم‌افزار spss به منظور رسیدن به اهداف پژوهش پرداخته می‌شود.

۷- یافته‌های پژوهش

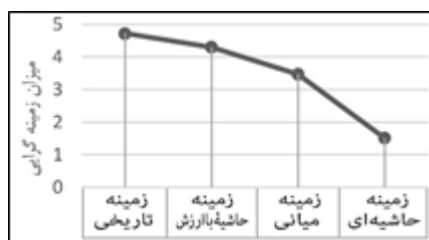
بررسی و مقایسه‌ی چهار نمونه موردی بنای اقامتی در رابطه با معیارهای چهارگانه‌ی زمینه‌گرایی در زمینه‌های مختلف شهر تهران، به شرح تصویر ۴ ترسیم شده که برگرفته از نتیجه یافته‌های حاصل از پاسخ ۱۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد معماری به پرسشنامه‌های مربوط به معیارها و زیرمعیارهای مؤثر بر زمینه‌گرایی

۶-۱ تنظیم پرسشنامه به منظور سنجش از گروه‌های پاسخ‌دهنده

با توجه به آنکه در این پژوهش ابزار گردآوری اطلاعات و برداشت میدانی از طریق تکمیل پرسشنامه توسط افراد آگاه از معماری (دانشجویان کارشناسی ارشد معماری) به صورت سؤال‌های حاوی معیارها و زیرمعیارهای معماری زمینه‌گرا می‌باشد؛ بنابراین برای طراحی این سؤال‌ها، پس از مطالعه و تحلیل مبانی نظری و تحلیل محتوای آن‌ها، ابتدا به استخراج معیارها و زیرمعیارها پرداخته شده که در نهایت ۱۶ سؤال طراحی گردیده است. بدین قرار ۷



تصویر ۴: میانگین پاسخ‌های مربوط به زیرمعیارهای هر چهار معیار کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی در چهار نمونه بنای اقامتی در زمینه‌های مختلف شهر تهران (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۵: کاهش میزان زمینه گرای از زمینه تاریخی تا حاشیه ای

با میانگین (۱،۵۱) می باشد. همچنین اولویت توجه به معیار مفهومی زمینه گرای در نمونه ها دارای ترتیب ۱. هتل فردوسی با میانگین (۴،۷۹) ۲. هتل بلوط با میانگین (۳،۷۷) ۳. هتل لاله با میانگین (۲،۳۷) ۴. هتل پردیس با میانگین (۱،۰۷) و در مورد توجه به معیار عملکردی زمینه گرای نیز اولویت بندی به ترتیب ۱. هتل بلوط با میانگین (۴،۸۶) ۲. هتل لاله با میانگین (۴،۸۱) ۳. هتل فردوسی با میانگین (۴،۵۸) ۴. هتل پردیس با میانگین (۱،۹۷) می باشد. در مورد معیار اجتماعی نیز اولویت توجه به زمینه گرای به ترتیب ۱. هتل فردوسی با میانگین (۴،۸۱) ۲. هتل بلوط با میانگین (۳،۹۲) ۳. هتل لاله با میانگین (۲،۵۶) و ۴. هتل پردیس با میانگین (۱،۴۷) قرار گرفته است.

به تفکیک چهار معیار کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی می باشد.

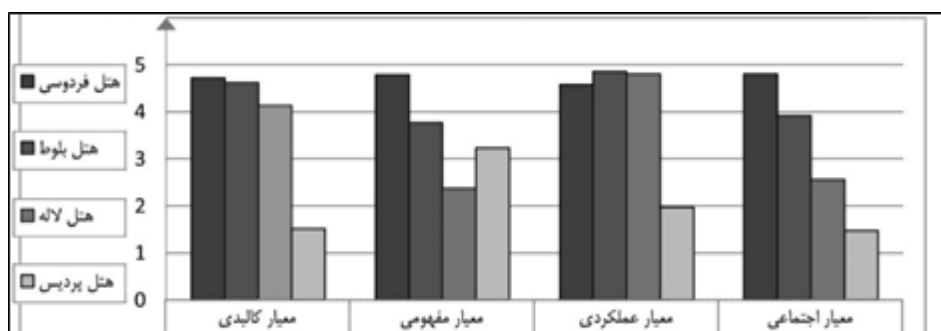
از این رو نتایج کلی حاصل از پاسخ های مربوط به میزان در نظر گرفتن زیر معیارهای زمینه گرای در چهار نمونه موردی بنای اقامتی نسبت به زمینه پیرامونشان نشان می دهد که ابتدا هتل فردوسی در زمینه

تاریخی شهر تهران با میانگین ۴،۷۲ دارای بیشترین میزان زمینه گرای نسبت به زمینه تاریخی پیرامونش می باشد. پس از آن هتل بلوط در زمینه حاشیه با ارزش با میانگین زمینه گرای ۴،۲۹ و سپس هتل لاله در زمینه میانی با میانگین زمینه گرای ۳،۴۶ می باشند و به ترتیب توجه به معیارهای زمینه گرای کمتر گردیده است. در نهایت کمترین میزان زمینه گرای نسبت به زمینه پیرامون آن مربوط به نمونه هتل پردیس در زمینه حاشیه ای شهر تهران با میانگین ۱،۵۰ می باشد. (جدول ۶) (تصویر ۵)

همچنین میانگین داده های مرتبط با معیارهای زمینه گرای به تفکیک هر یک از چهار معیار کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی براساس تصویر ۶ و جدول ۷ نشان می دهد که اولویت توجه به معیار کالبدی زمینه گرای در نمونه های منتخب به ترتیب: ۱. هتل فردوسی با میانگین (۴،۷۲) ۲. هتل بلوط با میانگین (۴،۶۲) ۳. هتل لاله با میانگین (۴،۱۳) و ۴. هتل پردیس

جدول ۶: میانگین زمینه گرای هر ۴ معیار در نمونه های موردی منتخب (مأخذ: نگارندگان)

نام نمونه اقامتی	هتل پردیس (زمینه حاشیه ای)	هتل لاله (زمینه میانی)	هتل بلوط (زمینه حاشیه با ارزش)	هتل فردوسی (زمینه تاریخی)
میانگین زمینه گرای ابراز شده	۱،۵۰۵	۳،۴۶۷	۴،۲۹۲	۴،۷۲۵



تصویر ۶: مقایسه ی تطبیقی میزان زمینه گرای در هر یک از ۴ معیار اصلی در هر یک از نمونه های موردی (مأخذ: نگارندگان)

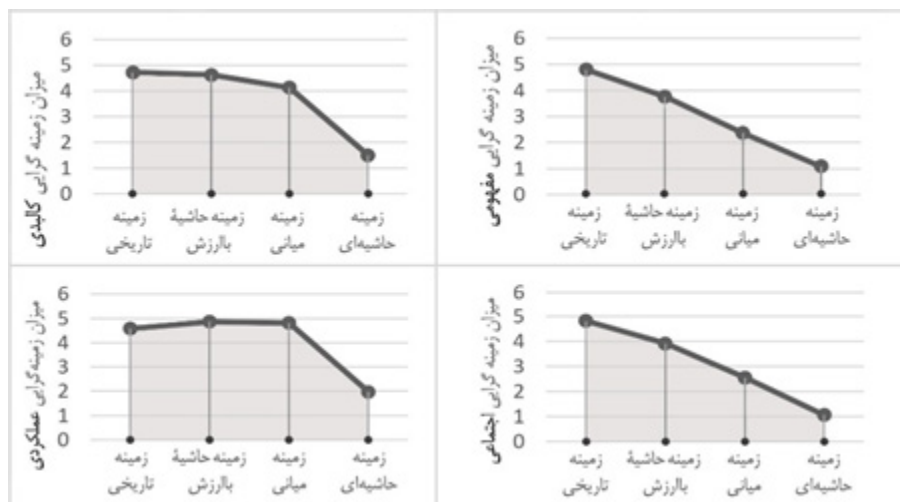
جدول ۷: میانگین پاسخ‌های مربوط به هر یک از چهار معیار کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی در چهار نمونه موردی در زمینه‌های چهارگانه (مأخذ: نگارندگان)

معیارهای زمینه‌گرایی		معیار کالبدی		معیار مفهومی		معیار عملکردی		معیار اجتماعی	
نمونه‌های موردی									
هتل فردوسی (زمینه تاریخی)		۴.۷۲		۴.۷۹		۴.۵۸		۴.۸۱	
هتل بلوط (زمینه حاشیه‌ای با ارزش)		۴.۶۲		۳.۷۷		۴.۸۶		۳.۹۲	
هتل لاله (زمینه میانی)		۴.۱۳		۲.۳۷		۴.۸۱		۲.۵۶	
هتل پردیس (زمینه حاشیه‌ای)		۱.۵۱		۱.۰۷		۱.۹۷		۱.۴۷	

۸- تحلیل یافته‌ها

از این رو بررسی یافته‌ها حاکی از آن است که در هتل فردوسی در زمینه تاریخی شهر تهران با توجه به ارزشمند بودن زمینه تاریخی، در نظر گرفتن هر چهار معیار زمینه‌گرایی از اهمیت بالایی برخوردار است و به‌طور کل در این نمونه نسبت به سایر نمونه‌ها، توجه به معیارهای زمینه‌گرایی دارای بالاترین میزان می‌باشد که این موضوع خود می‌تواند نشان‌دهنده ضرورت دقت و توجه بسیار در به‌کارگیری معیارهای زمینه‌گرایی برای طراحی در این زمینه باشد. همچنین در مورد نمونه موردی دوم یا هتل بلوط تهران که در زمینه حاشیه با ارزش شهر قرار دارد نیز یافته‌ها حاکی از آن است که نظر به وجود بافت‌های روستایی و باغات ارزشمند در

این زمینه، توجه به هر چهار معیار زمینه‌گرایی، دارای اهمیت بسیاری است ولیکن با این تفاوت که در این نمونه توجه به معیارهای مفهومی و اجتماعی نسبت به نمونه اول که در زمینه تاریخی قرار دارد تا حدودی کمتر است. همچنین در مورد نمونه موردی سوم یا هتل لاله که در زمینه میانی شهر قرار دارد نیز با توجه به میانگین پاسخ گروه پاسخ‌دهنده می‌توان گفت در این نمونه نظر به آنکه توجه به تمامی معیارها نسبت به دو نمونه قبل از اهمیت کمتری برخوردار است ولیکن دو معیار عملکردی و کالبدی در محدوده دارای اهمیت قرار دارند و نسبت به دو معیار دیگر بسیار بیشتر مورد توجه قرار گرفته شده‌اند. در آخر در مورد نمونه موردی چهارم یا هتل پردیس که در زمینه حاشیه شهر تهران قرار دارد نیز می‌توان گفت این هتل علیرغم اینکه



تصویر ۷: بررسی میزان زمینه‌گرایی در هر یک از معیارهای آن در زمینه‌های چهارگانه شهر تهران (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۸: بررسی رابطه میزان زمینه‌گرایی و ارزشمندی زمینه براساس روش همبستگی پیرسون (مأخذ: نگارندگان)

همبستگی میزان زمینه‌گرایی در معیارهای آن و میزان ارزشمندی زمینه	کالبدی	مفهومی	عملکردی	اجتماعی	مجموع
تعداد پرسشنامه‌ها	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
ضریب همبستگی	۰.۹۴۸	۰.۹۹۶	۰.۹۹۶	۰.۹۹۲	۰.۹۴۸
ضریب اهمیت معناداری	۰.۰۰۵	۰.۰۰۴	۰.۰۰۴	۰.۰۰۸	۰.۰۰۵
ضریب تعیین	۰.۸۹۸	۰.۹۹۲	۰.۹۹۲	۰.۹۸۴	۰.۸۹۸

یک نمونه موفق می‌باشد ولیکن توجه به تمامی معیارهای زمینه‌گرایی نسبت به زمینه اطراف آن (که زمینه حاشیه‌ای شهر است) دارای کمترین میزان توجه به زمینه می‌باشد. درنهایت می‌توان گفت با کاسته شدن از ارزشمندی زمینه، میزان توجه به معیارهای زمینه‌گرایی نیز روبه کاهش بوده است، به‌طوری که این موضوع در تحلیل‌های آماری انجام شده از طریق نرم‌افزار SPSS نیز در رابطه با همبستگی میان ارزشمندی زمینه و میزان زمینه‌گرایی دارای ضریب همبستگی مثبت و بسیار بالایی و معادل ۰.۹۴۸ می‌باشد. (جدول ۸) در همین راستا نکته‌ی دیگری که می‌توان از تحلیل داده‌ها طبق تصویر ۷، بدان اشاره نمود این است که به‌طور کل زمینه‌گرایی مفهومی و زمینه‌گرایی اجتماعی نسبت به دو معیار کالبدی و عملکردی به‌جز در زمینه تاریخی، در سایر زمینه‌ها مورد غفلت بیشتری واقع شده است.

۹- نتیجه‌گیری

در این پژوهش نظر به اهداف اصلی آن که شامل استخراج معیارها و زیرمعیارهای مؤثر در زمینه‌گرایی یک اثر معماری جدید و همچنین اولویت‌بندی اهمیت آن‌ها در طراحی در زمینه‌های مختلف می‌باشد؛ نتایج پژوهش حاکی از آن است که توجه به معیارهای زمینه‌گرایی تا حدود زیادی وابسته به آن است که زمینه تا چه حد دارای ویژگی‌های واجد ارزش می‌باشد. به‌گونه‌ای که در زمینه تاریخی و زمینه حاشیه با ارزش که دارای ویژگی‌های ارزشمند بیشتری هستند، توجه به معیارهای زمینه‌گرایی به میزان بسیار زیادی لحاظ شده است؛ اما به همین ترتیب که ویژگی‌های ارزشمند زمینه کمتر می‌گردد، میزان توجه به این معیارها کاهش پیدا می‌کند. تا اینکه در زمینه حاشیه‌ای که معمولاً

فاقد ویژگی ارزشمند خاصی است، توجه به معیارهای زمینه‌گرایی در آن دارای کمترین حد خود می‌باشد. از این‌رو به‌طور کل می‌توان گفت توجه به زمینه‌گرایی در زمینه تاریخی شهر در هر چهار معیار کالبدی، مفهومی، عملکردی و اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است و طراحی در این زمینه، نظر به حساسیت‌های خاص آن نیازمند توجه بسیار به هر چهار معیار مذکور خواهد بود. این در حالی است که در خصوص توجه به زمینه‌گرایی در زمینه حاشیه با ارزش شهر نیز توجه به این چهار معیار از اهمیت نسبی بالایی برخوردار است با این تفاوت که در نظر گرفتن معیارهای مفهومی و اجتماعی تا حدودی در سطح پایین‌تری نسبت به در نظر گرفتن این موضوع در زمینه تاریخی قرار دارد. همچنین در رابطه با زمینه میانی شهر نیز آنچه بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد به این صورت می‌باشد که اهمیت نسبی به‌کارگیری معیارهای زمینه‌گرایی در این زمینه به علت کمتر بودن ویژگی‌های واجد ارزش آن، در درجه پایین‌تری نسبت به دو زمینه‌ی تاریخی و حاشیه با ارزش قرار گرفته و همچنین توجه به معیار کالبدی و عملکردی از اولویت بیشتری نسبت به دو معیار مفهومی و اجتماعی برخوردار است. همچنین در مورد توجه به معیارهای زمینه‌گرایی در مورد طراحی در زمینه حاشیه شهر نیز می‌توان گفت علی‌رغم اینکه زمینه‌گرایی و توجه به آن برای طراحی، موضوع حایز اهمیتی است ولیکن هنگامی که زمینه، واجد ارزشی خاص نبوده، توجه به معیارهای زمینه‌گرایی دارای اهمیت چندانی نمی‌باشد و در نظر گرفتن آن معیارها نمی‌تواند موجب ارتقای ویژگی‌های طراحی گردد. لذا می‌توان گفت در این مواقع یکی از راه‌حلهایی که می‌تواند به‌عنوان جایگزین توجه به زمینه در نظر گرفته شود، الگو گرفتن از تک بناهای با ارزش موجود در آن منطقه یا استفاده از رویکرد منطقه‌گرایی در معماری و یا الهام

- gies, New York: Routledge, xv.
- 14- CañasGuerrero, I., Ayuga Tellez,F., OrtizSanz,J., (1995). The visual impact of agricultural buildings on landscape: a method to assess it, Informes de la construcción. 47(441), 27–37.
 - 15- Capon,D.S. (1999), LeCorbusiers Legacy, Published by: John Wiley & Sons, Engkand.
 - 16- Cizgen,G. (2012). Rethinking the role of context and contextualism in Architecture and Design. Master in Science of Architecture Thesis. Eastern Medeterranean University: Cyprus.
 - 17- Cloquell-Ballestr, V.A., Monterde-Díaz, R., Santamarina-Siurana, M., (2006). Indicators validation for the improvement of environmental and social impact quantitative assessment. Environ. Impact Assess. Rev.28, 79–105.
 - 18- Cohen, Stuart. "Physical Context, Cultural Context – Including It All", Opposition 2 (Fall 1974), 2-39.
 - 19- Colin Rowe and Fred Koetter, (1978), Collage City, *Architectural Review*, no . 942 , vol . 158.
 - 20- De la Fuente de Val, G., Atauri, J.A., de Lucio, J.V., (2006). Relationship between landscape visual attributes and spatial pattern indices: a test study in Mediterranean-climate landscapes. *Landsc. Urban Plan.*77, 393–407.
 - 21- Dodds, George (2001), *Architecture as Instauration*, *Architectural Research Quarterly*, 5, no. 2 , 126–150.
 - 22- Dripps, Robin (2005), *Groundwork*, in Carol J. Burns and Andrea Kahn (eds), *Site Matters: Design Concepts, Histories, and Strategies*, New York: Routledge, 59–91.
 - 23- English Heritage. (2007). Conservation principles policies and guidance for the sustainable management of the historic environment. English Heritage, 30-33.
 - 24- Eyerman,R. (2002), *Cultral trauma: slavery and the Formation of African American Identity*, Cambridge University Press, Cambridge.
 - 25- Gaines,M.C., (1980), *Teaching a contextual architecture*, JAE(lackwell Publishing on behalf of the Association of Collegiate Schools of Architecture, Inc.)
 - 26- García,L.,Hernández,J.,Ayuga,F., (2006). Analysis of the materials and exterior texture of agro-industrial buildings: a photo-analytical approach to landscape integration. *Landsc. Urban Plan.*74, 110–124.
 - 27- Gausa, Manuel (2003), *The Metapolis Dictionary of Advanced Architecture*, Barcelona: Actar.
 - 28- Groat, L. (1983), *Measuring the Fit of New to Old. Architecture: The AIA Journal*, 72, no. 11, 58–61.
 - 29- Groat,L.n. (1988), *Contextual Compatibility in architecture*. In Jack L. Nasar(eds.), *Environmental Aesthetics: Theory, Research&Applica-*

گرفتن از مفاهیم اصیل معماری آن منطقه است. تا از طریق احداث بناهای واجد ارزش جدید بتوان موجبات ارزشمندی آن زمینه و مینا قرار گرفتن آن بناها برای طراحی‌های زمینه‌گرایی آینده را فراهم آورد.

در نهایت نتایج حاصل از استخراج معیارها و زیر معیارهای زمینه‌گرایی می‌تواند به منظور ارزیابی سایر بناهای زمینه‌گرا به کار گرفته شود و همچنین نتایج حاصل از اولویت‌بندی معیارهای پژوهش در زمینه‌های مختلف نیز می‌تواند به آگاهی‌های قبل از طراحی برای طراحی در زمینه‌های مختلف کمک نماید به گونه‌ای که در زمینه‌های واجد ارزش ضمن طراحی بناهای معاصر موجب تداوم حیات آن‌ها و در زمینه‌های فاقد ارزش نیز موجب بروز و ظهور ویژگی‌های ارزشمند گردد.

منابع

- ۱- بیگ زاده شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۳) معماری میان افزا در زمینه‌های تاریخی شهری (مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی)، رساله دکتری دانشگاه هنر اصفهان، استاد راهنما: دکتر علی غفاری و دکتر محمد مسعود.
- ۲- تولایی، نوین (۱۳۸۷)، شکل شهر منسجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۳- تولائی، نوین (۱۳۸۰)، "زمینه‌گرایی در شهرسازی"، هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
- ۴- فلاحت، محمدصادق و صمد شهیدی (۱۳۹۴)، "نقش مفهوم‌نوده-فضا در تبیین مکان معماری"، نشریه باغ نظر، شماره ۳۵.
- ۵- لنگ، جان (۱۳۸۳)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- مسعود، محمد و حمیدرضا بیگ زاده شهرکی (۱۳۹۲)، بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی، تهران، نشر آذرخش.
- ۷- معاریان، غلامحسین و محمدعلی طبرسا (۱۳۹۲)، "گونه و گونه شناسی معماری"، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۶.
- ۸- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، محمدرضا بمانیان و معصومه میرغلامی (۱۳۹۰)، "فرایند طراحی زمینه‌گرا- تجربه معماری"، نشریه نقش جهان دوره (۱)، شماره ۱.
- ۹- نسبیت، کیت (۱۳۸۷)، نظریه‌های پسامدرن در معماری، ترجمه محمدرضا شیرازی، نشر نی، تهران، چاپ دوم.
- 10- Allen, Stan. (1997) "From Object to Field", *AD Profile* 127, *Architectural Design*, 67, no. 5/6 , 24–31.
- 11- Bokharaci, S., Nasar, J.L., (2016). Perceived spaciousness and preference in sequential experience. *Hum. Factors J. Hum. Factors Ergon.*
- 12- Brolin, Brent (1981), *Architecture in Context: Fitting New Buildings with Old*, The Harvard Architecture Review, 2, Cambridge: MIT Press.
- 13- Burns, Carol J. and Kahn, Andrea (2005), "Why Site Matters", in Carol J. Burns and Andrea Kahn (eds), *Site Matters: Design Concepts, Histories, and Strate-*

- jective indicators: State of the art. In: Association, I.C (Ed.), 12th Congress of the International Colour Association (AIC), pp. 559–562.
- 45- Serra, J., Llinares, C. Iñarra, S. Torres, A. Llopis, J. (2020), Improvement of the integration of visually impacting architectures in historical urban scene, an application of semantic differential method, *Environmental Impact Assessment Review*.81.
 - 46- Somol and Whiting (2002), Notes Around the Doppler Effect and Other Moods of Modernism, 29.
 - 47- Yorgancioglu, D. (2004), A Translation of Phenomenological Philosophy into the Real of Architecture. A Thesis of master of architecture in Middle Technical University.
 - 48- Cloquell-Ballester, V.-A., Torres-Sibille, A.C., -Cloquell-Ballester, V.-A., Santamarina Siurana, M.C., 2012. Human alteration of the rural landscape: variations in visual perception. *Environ. Impact Assess. Rev.* 32, 50–60.
 - 49- Ünver, R., Öztürk, L.D., (2002). An example of façade colour design of mass housing. *Color. Res. Appl.* 27, 291–299.
 - tions (pp.229-253). London: Cambridge University Press.
 - 30- Isenstadt, Sandy (2005), *Contested Contexts*”, in Carol J. Burns and Andrea Kahn (eds), *Site Matters: Design Concepts, Histories, and Strategies*, New York: Routledge.
 - 31- Jerpåsen, G.B., Larsen, K.C., (2011). Visual impact of wind farms on cultural heritage: a Norwegian case study. *Environ. Impact Assess. Rev.* 31, 206–215.
 - 32- Johnson, Paul Alan (1994), *The Theory of Architecture*, New York: Van Nostrand Reinhold, 284–287.
 - 33- Karimimoshaver, M., Winkemann, P., (2018). A framework for assessing tall buildings’ impact on the city skyline: aesthetic, visibility, and meaning dimensions. *Environmental Impact Assessment Review*. 73, 164–176.
 - 34- Kearney, A.R., Bradley, G.A., Petrich, C.H., Kaplan, R., Kaplan, S., Simpson-Colebank, D., (2008) Public perception as support for scenic quality regulation in a nationally treasured landscape. *Landsc. Urban Plan.* 87, 117–128
 - 35- King, R. (1996) *The Emancipating Space: Geography, Architecture & Urban Design*. New York: The Guilford Press.
 - 36- Komez Dagliolu, Esin (2016), *The Context Debate: An Archaeologist’s Architectural Theory Review*.
 - 37- Kuper, R., (2017). Evaluations of landscape preference, complexity, and coherence for designed digital landscape models. *Landsc. Urban Plan.* 157, 407–421.
 - 38- Lambe, N. & Dongre, A. (2017), A shape grammar approach to contextual design: A case study of the Pol houses of Ahmedabad, *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 0(0) 1–17
 - 39- Nasr, Tracy, (2015), “Criteria for Contextualism in Architecture”, LinkedIn (13 October 2015)
 - 40- O’Connor, Z., Moore, G.T., Hayman, S., (2008). Façade colour and Aesthetic Response: Examining Patterns of Response within the Context of Urban Design and Planning Policy in Sydney. *The University of Sydney*.
 - 41- Rapoport, A. (1997), *Human Aspects of Urban Form*. New York: Pergamon Press.
 - 42- Samavatekbatan, A., Gholami, S., Karimimoshaver, M., (2016). Assessing the visual impact of physical features of tall buildings: height, top, color. *Environ. Impact Assess. Rev.* 57, 53.
 - 43- Schulz, Christian Norberg, (1980), *Genius Loci, Towards a Phenomenology of Architecture*, New York: Rizzoli.
 - 44- Serra Lluch, J., Barchino, T., Ana Llopis Verdú, J., García Codoñer, Á., (2013). How to evaluate the chromatic integration of architectures with visual impact on the landscape by using objective and sub-